صفحه دوم و سوم منفحه جهارم

🤲 🖰 محل اداره : طهران خبا بان\لالهزاوب كوحيه الحاديه

ما و داشت لومنه

اکر عقید . نی که کفتیم سحیع است : أكربا مطبوعات لميشودفكن های اسقاطی ور و خیات میروب ما را تازه وحسابی کرد پسچاره

جیست ۶ بایدنشنت و چرت زدوخمازه كشيد تا = بقول مترجر الفالياء و مادم لذات ۽ بر مها بتازد و از چان گندن خلاص بشو بم ^م

ها راستن باید از کذشته میرت كرفت حلفاظي زا د ورانداخت ـــ هو امر فريبي دا زلدگر د و من ادم 🚐 الفائمي كيد ١ مثل را ٥٠٠ دم 🚔 موافق اصول عام ومنطق درصدد تهاره چو ئی پئر امد - دید دیکران چه گردم اند - ماجه باید بکیر = رَةُ عَلَى عِمْ فِي بَاخِرُ وَ * رَ ﴿ چُونْ – اِنْ رَاهُمْ بِابِدُ كُمْتُ = مُمكن آست بعضي ا مبلا ابرائي را قائل أضلاح ندانند و منتقد باشند که این ملت رابعیج حیله و تدبیری عوض نیشود کرد ــ هرچه بکنید اطرار و عاد اتش کج و معوج می

مُأْنُه - بَهُ مُنه پایه آش بندید از ر مال

و جن گير دست بر نخواهد داشت –

کازیانه اش بزنید همه چیز را بسته

باقبال خواهد دانست 🕳 از کرسنکی

بمبرد بسمى وعمل منتقد نخو اهدشته

وے خلاصہ – جان بجانش کنید ' ملت

غيو ر ؟ آدم لبشود .

البته = اين هم عقيد ئي است و لی ما صور می کنیم اشتباه است ابرانی قابل همه قسم ترقی است= مر بی می خواهد و بس 🕳 راه اربیش را اجوربد. – در عط اصلاحش زحمت بكشيد = استقامت أشأن بيد هيد - از " قباهت ملي ، تترسيد شد به و هو أ اعتنا ألد اشته باشید 🕳 بکذارید شما را دست الله الله الله الله الما الله و ا

, ملت نجيب، فرسان خيانت شما رًا صادر كند ــ ده مال نخواهد کشید که آثار قطعی اجات در سیمای مملکت اشکار خواهد شد = چهل سال نمی گذرد همین ملت حلال كوشت أمروز مجسمه شمارا خوهد ربخت

لِس أفكار وروحيات أيراني رًا میشود عوض کر د؛ اینطور است المي 🗀 يقين كنيد ميشود. چطو ر ۹ با چه اسباب ۹

راین جا ات کی د هوجی ، اسه عُجِهِ مِي النَّهُ عَلَى فِي إِذَا دِي خِواهِ إِنْ مَ نه من غویم در می آورند ـــ و مك باز ه ها برای ریخته شدن و بك قاشق خون کښينيان و حادر پېيوند و پيه وجوب لحضن در سفارت راي مبدهند ،

برای ایشیکه سؤال و زام امسیلاع براني جبت ١ و اسك عواب وارد

ه زور ۱ ه بلی — زور: ۱ مکر ندندید بامدرسه نیبیرات س بع مبشو دداد و مكر ملاحظه فيكرديد با مطبوعات فتهجه فخواهبم كرفت ؟ دوروسي مكر رنه هر كمي را كه ما نصيحت و موعظه براه صحبح نشود انداخت ماید

حبرا بطريق سواب آورد ؟ اس جرا العجب مي كنيد كالرسب أبراقسي بنظر لما غبر زور مبج وسبلت ندارد ۲

منتها باید دید مقضور از این زور جبت حطور باید آن را بکار برد ب تهدست تنجه أشخاص أكر أفتاد تتبجه

🛫 يك زوزه ايان مشائل وا طرح و بحث و حلاجي نمېشود کره . موضوع مهم ار از این ها است ن بِ الفصيل بايد أز. آن شحبت كنبم." عجاً لنا همهنقدر می کمو ثبم : در متورای با زور یابران اصلاح مبشود که زور بدستایرانی و برای لرقی ایرانی باشد المأ موافق اصول علمي أمروز ارويا اول ہے۔ انفہلاب بادی پر دازد ۔ اول إشاس زندكائني با دا نيبير بْدُود . اللي - دوح ايراني وأمدرسه ومطبوعات

عوض المي كنند مين المالية

ابن معجزء را از راه آهن وجرخ و گارخانه باید تخواست بروسی

شاید آصور کنبد که برای ایسن المنوبرات زور لازم نبست و المرات المرات حبراً المست أن كاني كه المسكر

طرح ابن نقشه و لباقت اجرای ان را داشته باشند بدون زور زمام دارنخواهند شد ـ شمأ نمبكد إريد ! الله

911192

نمی دهیم ! نا زور نیاشد دهن پرطمع طنبسای های بنی رحم را نمی شو دیست. همه بفرياد من افتنه أ دكان آزادي طلبي و آشوب فروشی را محال است آش زد ـ بلوا مَی کنیم ا

المنا بعد كه ضحبت كوديم خواهم ديد

داور

ساست ورجاره

دقت کردید ۹

در روسبه الحاد سباسي لشكيل داده __ مسکو گا یا تنات و لنین را در تبس شورای

فایده بزرك این رژیم در آین است كه هر أيك أزابن ممالك بطرز مخصوصي كه متناخب با وضعبت اقتصادى وغــــده جمعبت آن باعد اداره خواهند شد من بعدل قوانين براي امسام ملكت بزرك روسبه وضغ نخواهند كرده

من بعد ابن قببل قوانبن كه براي بك قدمت از روسية مفيد است و در قست ديكر قابلآجرا نمي باشد الدؤين نحواهنه کرد.

در زمان ازار 🚣 با وجود اصلام کزیت كُهُ * آنَ أُوْفَتُ أَلِمَقْبِ مِبشَدَكَ حَكُو مِن وَقَتْ خُود رَا تَعْجِبُور دَيْدُهُ بُود طَرِحُ ها و قواعد مخموضی برای بعضی از مَمَا لِكَ أَمْوُر وَمُسَتَّ بَابِشِ بِبِنِي كَدْ.

طوری که زمامداران نعلی بسرای حَكُومَتُ رُوسُهِهُ ﴿ وَشِي نَظُنُّ إِنَّ كُرُ فَتُهُ ۚ الْمُدَّتُّهِارٍ ﴾ خوب است و لی چېزی که نهم آن برای ما دشوار مي باشد اين است كه حكونه او لمِهای امور آن مملکت اصول کمو نبست و سوسها لبست راباطر زّحکو مت متحده نوا فق

أسوسها الهزم طرفدار مر كزيت و

إلى زور دُوام المنواهند كُرُد ما أجازه

الماريد الماري

هٔ طرز حکومت در روسه

أخباريريروز زويتر زا خوانديد؛

بیاخیر می قاد که منت دو ایشوروی مما لك متحدة قرار داده أينه م

شورای مذکروز امود کراچیم اندباست خارجي ونظام أؤا إلحربه والمالبهو فجارت (العواره خواهم كرد : ١٠٠١ ١١٠٠ ١٨٠٠ ١٨٠٠ ان بك مختب خبلي، بعني است . آ لبه يوسه إجار درختان خواجد تود. وز قباليكي كه انجاد يكرده اند در امور داخلی آزاد و در سبات خارجی وأنظام والبحرية وأكمرك مطيع اوامر شؤرای الحاد خواهند بود.

مي دهند ،

فِنَا ﴿ إِنَّ مِا أَصَوْلُ حَكُومَتُ مَمَّا اللَّهُ متحده متضاد است . اختلانی همم که بالشويك ها با اجتماعيون انقلابي دارند

والقت بخوانيل

قبمت لك شمّا راه ٥ شاهي است

و يحجه الحرام ١٤٤١ (١٨) دونيه ١٢٨ سنده

مالات عمامة مالات

الم الأبعلاوم اجرت بست الأبار أنه المالة الم

دا عله يُرَيِّ ﴿ وَ وَ ١ الرَانَ * وَهُ الْرَانَ * وَهُ الرَّانَ * وَهُ الرَّانَ * وَهُ الرَّانَ * وَهُ الرَّانَ

این رُوْن نامه بدون اتامای کتبی برای کسی اد سال نمیشود

مردمی که عادت باعلان در خوراید دارند و قنی می خواهند جنس بهورند مَىٰ دَانِنَد بَكْجَا هَا بَابِدُ رَجُوعٍ . تَنْد

﴿ وَقَتَى مَى خُواهَنِهِ خَانِهِ لَازَهُ بِكُبِرِنَّهُ مُبِدَّانِنَدُ كَجَا مَا بَابِنُهُ وَقَتْ الله وقتى مي خواهند مستخدم ببدا كنند معطل فيخواهند شد ي

وقتی مریض می شوند فورا آدرس جندین د کتر معسروف و سامات پذیرائی آنها را مبتوانند مدانند

خلاصه برای نان نکردن و مث و هزار قسم شرقه های المجار لی اروپا آلی به اعلان معتاد است ﴿ براى أينكه مردم ما هم عادت به اعلان كنند و زياد اعلان بدهد ما از این ناریخ قبمت اعلانات را بقدری ارزان می کنیم کاعلان كردن من بعسد أز كم خوج لرين كار ها الت

قبت اعلانات از این قرار است :

مطوی ۱ قوان مفعه دوم و سوم شطوی ۳۰۰ شاهی -مفعه جهادم شطوی شود **۵ شاهی** در ایا أصفحه جهارم

أَنْ فَبُسِتُ مَرْبُوطُ بِهِ كُلِمِهِ اعلاناتُ استَ عَبِرُ الْ اعلاناتُ مِنْ الْ

الملكون

براى استخمال خاطر عموم مرضاء معترم اعلام المعارد ، وهو الروية به استنای حمد ها) از ساعت هشتا مبح با ظهر اغباء و تتوسیل و اواقع هفت بعد از ظهر کنانی الشنق طرعاء نقبر و بی بصلمت بنزیمالی میراند له ت - بهرایی در کتریاه (ایکناه) نمره اعلان ۸۲

العلام المناسبة المن المناسبة ال من صفیحه دوم – سون سوم – سفار شیم و دواز دهم – کان (حایمی) غلظ و هزارم (هزارم قرانك) صحیح است .

بدیمی است که ۱۳۵ هزارم فرانك سبزده سانتهم ونیم و ۱۲۸ هزارم فرانك تلبزده سانتهم وسهفت عقو سأنثهم أست بالم

علوم اجتماعی می کوید که طهرر

حكومت مربوط و منوط بهوضعبت عمومي

منا براین روسیه باوسعت خاکی کددارد.

بالنوع مال آن ــ با اختلافی که ـــین

أَثْرُاهُ وَ عَادَاتُ وَ احتباجَاتُ هُوْ بِكُ از

ملل آن موجود است نمی نواند دارای

ایك رژیم و احد ازرای امام: مملکت باشد. آ

فاین لوابب یاروسبه باید هر یکی

از ممالك متحده ازا بكذارد أبراى خود

قوا این مخصوص وضع کنند ؤ بشا بر

آئِن الجُول اشتراكي ﴿ كُمُونَكُتُ ﴾ ان

مَانْخُوا هَدُّ رُوتُ وَمُمَا لِكُ مُتَحِدُهُ اشْتُراكَى

نخواهند بود _ يا اين كه كامه ممالك

وتحده فقطيك فرمولي خواهد بودخالي

از حقیقت که برای فریب دادن اهسالی

روسهه وضع شده است .

أمروز زمام داران روسيه أشخاض

هُمَهُمْ فَأَرْبِخِي هَدَّمُهُ كُمْ أَزَ قُوانَيْنَ عَلُومُ

اجتماعي كاملاآ كاماند مآنها فهمبدماند

که اجرای اصول اشتراکی غیر میکن

غـر مماكت است .

درسر این موضوع است 🦫 📳 است و بنيا در ابن دارند بر ميكروند

بة أسول منا لك متحدم كه براي روسية كمال اناب را دارد و موجب ارقى المالي آن خواهد شد و ا أو روسه قبدل به ما لك متحده

نفسیل لار مانه

از قانون ۱۹ جو زا ۱۳۰۱ 🐔 - N-1

در هر جا که مقارف مجدید _ یا مدارس و طرز المليم فعالمي الله الوحود آمد ؛ در بدو أمر معسلم مؤوب تامو بوده و أدر الران بالخصوص ابن مسلمه والقمبت واشته أسك مراز مفتاه سال قبل که مدرسه دار آلفتون را ناسهمی کرده افد لل امرون ومعلم ب بمعنا أن كه ما برای این کلمه قائل همشهم سے نقر بیا انكنت شمار يوده است . علت ان إير

شود باید به زمامداران آن نبریک کفت.

حقوقش علاوه كرده اند 🧎

مه نولسانی که آسفته شد مفارف

مديق اعلم

را نا امروز راه نُرده اند و از وجود

اخبارشهري

جلمه وزراء عظام

هما أو أي هملت وزراء سه ساعت فسل

أز ظهر بساحبةرانبه رفته جلسه وزراء

تشكيل و نااوائل شب المتداد داشت

معاونت رياست وزراء

أياست وزراء منصوب و أز روز كذشته

الماخبر حرك

هدهانی که بتابود برای نکمبل مدا کر

كرمانشاه سبح توزسه شنبه عزيت نمايند

ناخبر برديه زيراك هنوز هېئتعامله

سَبِد مُحِمد شده و اظهار سبدار ندك أس

أزانتخا بِ هُبِئُت عَامَلُهُ ۚ وَ لَعَيْنَ ۗ الْكَلِّيفُ مُو كُر

بكرمافكاء بزويد للكراف أبعيد

🧓 روز یکشنیه نلکراف ندریکی، از

طرف عليحنرت شاهنشاهي خطاب ينسبو

مبلراند) يبناسيت عبد ولسي فرانسه

مخامره كرديده بود روز كدشته ازظرف

أميزي جوابا بنام قامي أعار حضرت فما يوقي

بوزارت خارجه واسلو "بحدوراعلبحسرت

الممهوري فرائمه الكراف اشكر

آقای آقا میرزا سید محمد

انجام مقاند آقايتان علماء بده

شروع بمكار نمودند

آقاى مصاخد الملطنة به معاونت

روز كذشته حسب الأمر اعليحضرت

و مدًّا كرا لي واحسم به لفكيل انجس

نظار شده یا نزده تقسیر دا اهالی معین

المودند كه از ابن أشخاص هفت الدر

را بوسیله فرعه حکومت برای انعقباد

او زان _ نظر وانکه لرك ها

اسرار دارند که سفاین متفقین با قشون

ای آن ها در آن واحد از آبهای

شمانی خارج شوند بحسوان جدیدی

وابد كرديده و مذاكرات امروز بعد

نطق بالدوين

أُ لندن أَ مُعَالِمُ مُعِمُو ثَانَ إِلَا لَدُو بِنَ

طي اظهارية خود حنين اشعار داشت

كَا دُوْ اللَّهِ مُبْخُوْ أُهُمُ أَشَادُو لَئِتَ أَنْهِمِهُ لَا يَنْظُهُ

جوابهه آلمان را مرعهده کبرد و سه

عمين مناسبت جول ﴿ فوانسه و علوبك و

يطالها زا از اين ممثله مشحض بالمته

ست و مرجه زود نوجوای را کانهیه

خوامد شد باطلاع نبول بند كوريشورهد

سانبد نا نظريات خود وا اعمل داويه

أَمْدُ مِنْ دود موافقت تَقَوَيْنِ وَوَ فَإِنْ

مندرجات جوابيه بذكروه طعلاعوه

هلاوه دو أن إ كنال المتباد إلى الله

منفتين تو هول مريوطه وعوث يموي وي

ک بیشنهاد های با دا در است سکاران

ار وهد زيرا غير از، ليكن الهيا ي

للاخ وخعبات دنباى عنتموقو سووه وتقرو

ويكرى تدادعه إيم بالمنطوق فالله

ا کاف ریکی ایا ، فیکن و عاملان

. ود این قضه افکاهتان ارا نامانستان

عقةن هربوط مبتعابد كوشؤه لكرهما لحلوه

مَرَانَهُ وَا مُثَنِينَ إِنْ يُولُنِ يَوْتُولُهُمُارٍ

انت که بایدتی ون دولی کی نیاریکه یکی

حمل وندج و لمعنت عنومه انه عنن

بت بانی و بو فرار باند و هو و ا

مطالبات خود وا در إفت منابعياً ، و الا

وبلدن از سؤال ببجای خود خمجل شده سو

يزير أفكسند و هاس منفول كردن ور السوي

اسباب و أَجْمَدُان سُفِرُ أُورًا بِهُ إِنكُمْ وَيُلِمُنَّ فَهُمَيْكُمْ

كُ اسْتَادِشْ صَمْعِمُ سَفُرِدًا قَارَةٌ وَ أَزْيِنْرُوا فَهُمْيَةً كُوْ

ر اوك هلمين عمر فترسى دارد پس روباو ، مو ده

هلمس كفت : - ممكن است

ويلس كفت : ﴿ لابد براى جُوابُ دادن

أَنْعُرَ صَاتَ ﴿ آرَسُنَ ۚ أَوْبَانَ أَسَتَ بِلَى بُواْنِي حَلَّ قَصْبِهِ ۗ

وَيَلَّمُن كَفَت : فَيُ شَرِّ لُوكٌ مِّن هُمْ ۚ فِي شَمَّا

بأدن اميِّل والإَنْ يُمَا يُعَالِمُ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ

می آیم معلس کت : شهر میشود

لمى الرسبدكة دست حب شماهم مثل دست واستنان

الله والله كفت : ت أنه شما با فن على المتبد

اً هلمس كفت : لم إسبار خُوب شما بكنفوا

The state of the s

زياد الرسي تدارم أجهل فأسلا ينج المناه يشبه

آدم حدوری هستبد و ما می رویم باین شخص بنان

بدهیم که خیط می کند بروی ما شمشیر میکشد

َهْتُ : عَنْ هَلَمْسَ شَمَا بَارْيَسَ فَيْ لُويْدُ

انجمن نظار العبين المايند

لو ان الله الله

ز ظهر عقبم ماند

اخارفارد

واضح است ، عدم نوجه دولت 🚣 که مربى معلم است بست عدم الوجه مملكت ـــ كه مثوق و مروج معــــلم أست ــــــ فقهدان حیثبت و شان برای معلم در جامعه ايراني مهم لربن علل نادر بودن مهلم در مملکت یا است و است

ناشتیم نا اندازه ای نشان دادیم که الداشتن مملم خوب موجب انعظاط و باعث پستی معارف امروزی است ٌ 🌅 المان مي كنيم كه خود شما هم ابن ممثله دا عاملا لصديق سنبد .بابن حجهت از شهود و ببنه خرف نظر می

از طرف دیگر این را هم یقبنا قبول داريد كه مملكت ما فعلل فقبر

كه بقدر عشر ايران وست تدارند 🚅 هر كدام مجدين برابو ايران بودجه

عزار كومان به كبيسارف لخصيص داده شدم است . ایکی یك حیاب یکو حك دهني بكنيد مي بينبه كه فقط حهاد لااقل از يك مدير قايره وزات خانه

دو حد أز مابدات ساكت غرج معارف بطور عامياته يكوئيم : ازهر نو مان که وارد خزانه دولت می شرد فقط هو هیامی مرف معارف مبکنند آ

این خود بهترین دلبل بر فقرما ه ا كل موجه معارف را ملاحظه كنيد في ميزان حقوق معام ومديروا و مورد دقت قرار دهید ... خواهید دید که هبیشه او لبای آمور خدمت مخموس

بحال زمامداران وقت تتوانسته اند أبينند يك نفر معلم ايراني دوره دوم الك عده معلم لايق استفاده كرده اند

> مصارف معارف همه این ها باعث شدماند كَمَازُ رُوزُ أُولُ أَأْمَنِسَ مُدَارَسُ حَدَيِدُهُ شَا ز أشخسا ص فاضل و بالنسمه ماهر أور لدريس ــ ک متصدى امور ديگر بوده ند شه خواهش كرده أند هفته أي حند ماعت وقت خود را صرف أعلم كنند و در عوش مبلغی برای د کرایه در شکه ا و خرج وا كس كفش و در هر ماه در یافت دارند . بعضی او قات هم که ـــــ يقول ما ديون و عقلاي المران ــ يكفر سفيه يبدا شده كه يس از طي مداريج لأزمه در اروپا و متخصص شدن دررشته مَمَارِفَ ــ حَاضَرُ شَدَهُ أَمَامٍ وَقَتْ خَـوْدُ را شرف أعليم كند و از أمام أذايذ زند کانی و شأو نا نی که کمترین مستخدمین ا دارى دو نظر أين جامعه دارند - صرف لَّنْلُو كَنْدُ بَهُ حِنْبِنَ شَخْسَيْ ﴿ الْرُوْيِ استبصال أورودر باياتي أرب دوكار متوادف ﴿ مَثَلُ مُدِيرٍ مُدُرِسَةً إِ هَفَتَهُ كَيْنَا مُاعَتَ ورس) داده اند کا میزان حقرقش

ها کشر نباشد ه منتص كنبم: از چندين سال ياين طرف بعضي از اهضاء وزارت خانها ــــ حند نفر از رؤسای ادارات ... عدم ای از رؤسای مدارس ... بعضی از اناظمین ، را که واجد شرایط معلمی بوده اند باس ندريس كماشته اند .

کاهی از اوقات نعم که خواسته اند به مدبر یا ناظمی که خندین سال مشنول خدمت كذارى بوده ـــ أما فه حقوق مرحمت كنند چند ساعت در هفته بــاو لورفيفارج المأرف برق حوالي كرده اند . الدرس داده أنَّه و حق الزحمة أن را بوا ارسال كرديد

آقای الم زاده اشعار شد که خلاصه ذاكرات جلسات كنفرانس عقد قرارداد لجارتي ايران وروس بدوت مطالعه شد در صور أبكه و فسم المحسار الجارت از ید و نشتورك در ایران میشود قرارداد

> آشوريها به اروميه باحضورخند نفر ان الرديد پس از مدا كرات داپورتي از مُوافق با مراحمت آشوريها باروميه است اظهار اشكر

بموجب مراسلة كه از سفارت روس

ورود دو نفر نماینده

یموجب اطلاعی که از سفارت روس اً رُسَبِدُه أَخْبِرُا دُو نَقْرُ الْمَا يَنْسَدُهُ أَزُّ رف روسية وارد شده است مكنفر أز آنها نماينده أجارت لو يكينفر ديكر آن وق الذكر براى لوسعه لمجارت روسيه با بران بطهران آمده اند

محصابن إيراني

مموجب للكوافئ كه از ياريس به ﴿ نُور ﴾ رفته إنك

همبنت أعزامي آمريكا از قرار اطلاعات واصله اخبراهبتمتى از واشنکش برای معاینه محصول و مستوحات ابریشم در شرق اعزام شده و مخصوصا أَفَظُهُ نَظُرُ أُصَلِّي أَيْنَ إِلَّهُمِّتُ أَزَّ مَمَا فُرِتَ

مَماعدت هاي مامورين دُولتيم البشان

الغبير محل كمرك

شماره ۱۸ 🏎

از لی اصمیم نموده او د که کمرك خانه فروحبي أنزلي رأبه غازيان انتقال نمايد جوناين لرابب باعث خمارت فوق العاده بعضی از لجار و سب شکت شاریت الزلني مبشد الجار الزلني در آنجا و نماینده آنها در مرکنز مرانب را به مقامات مربوطه عرض و لوجه دولت را باين سماست مخوف كهسيب نكثعا بدات کسر کی هم مېشد څل نمو ده دو لت بقای , هاره كمرك خروجيرا بنقطه او اي صلاح ديده امر بعدم انتقال نا كيدا صادر

(م . جامن ,ا) ندبر شو ک إبرېشيم ا في أمريَّ على است و نبر بيشتر در باب أمل آ وردن صحول وابريشم طرق مختلفه عملي آن بطرز مترق رمين لحقيقات خو اهتد

مقسو د عمده از این لحقبقات بس

خطه شهر هيئت هزيبور الزشهيي (بُو كُوها ما) شروع شده پس ازد بدن شهر های (نو کېو) و (کېيه) و

شد کدراجم به متفاعدین آن وزارت خانه (و هنك سنك) 🛴 (وكانتن) 🗸 و است با رعابت موالا قانون استجدام

(ہانگےہو) ۔ (ونانکن) و(پکن) سوابق پارسنلی آنها رادر ضمن پبشنها د هر حین و نعشی نقاط و محلهای دیکر های فردی ارسال دارید ... از قببل (منجوری) و (کرم) کس 🕆 فظاً منا مه خرج سفر اطلاعات حامع نموده بامريكامر احمت سنو اهند

شورای عالی اجارت

وزارت مالبه نظامنامه برای خرج سفر و فوق العادم مامورين آن وزارت خانه لنظهم نموده عما قريبطبع خواهند

حرآت حکومت

رسيده شاه اده سارم الدولة يس از

استعفاى إزحكمراني فارس آبدا منتظررة

قُدُولُ استعفای خُود از طُرِفَ عَمَّتُ

وات أشده و أنه عجله تطرف مركز

خُرِکَ نموْده باصفهان و و د نمو ده واز

آفاى و توق السلطنه كم نامز دحكومت

نظر باختلافات کلی و شکایات قا نو نی

در شهریار پېش آ ملده و جديي الدعي

ستند که حکومت اعدای انجس نظارت

ا ممبل رؤسای محل انتخاب نمو ده و

ين برخلاف قا نون است ألم [انتخابات] نجا

لوقهف و موكول بدستو د تارنسوي

المار المار

حون نجمن نظار حشرت عبد العظم

البع بتركب الخذآزاء فبروق آباه نرديد

موده اند که برخلاف قانون اخذ رای

شَّدُهُ لَذَا مَا كَثَرَبَتُ آرَاءَ شُرَحَى بَعْبِمُّتُكَ

وزراء نوشته اند كه آراء فبروز آباد

مُعَدِّدًا آخَذُ شُودً أَزْ طَرَفَ هَبِيْتُ وَزَرَاءَ

باداره حکومت طهران امر شد که بارای

تظار حضرت عبدا اعظيم موافقت نماينه

طهران شده بودند أز قبول اينخدمت

متناع نموده النداز طرف دولت هنوز

شخص دیکری برای این مقام کاندیدا

هرس لوقبف انتخابات

آنجا نبز عازم مركزخوا هند شد

امتناع از حکومت

بموجب اطلاعی که بوزارت داخله

ورز شنبه شورای عالم احارت برای

أهبين أكلبف قطعي اجار لشكبل خواهد شدمشاوره عالى پس ازملاحظه مذا رات يَّهُ مُسْبُو ﴿ مَا لَبُشُفَ ﴾ رَبُّسِ بِازَارِ مَكَارُهُ ﴿ وَابْرُونِي نُو كُورُود ﴾ إياهبئت و أيا الحادية أجار و مراجعه للكرافا لي كه اخبرا از آقاى مناور الممألك سفهر كبهرايران ورارت خارجه وسبده بارعابت هرفه لجار أيراني الكابف قطعي لجار أيداني براي شرك دربازار مكاره المبين

اکیو زسبون ابران 🔻

امروز عصر هبأت زئيسه نماش كاه أمتعمة وطنى در المسبه دوات حاضر و أنظامناه لثوبق شرآت سنايسع مطرح مذاكره خواهد بود

. برای ا کیوز سبون میگو

آقای حاجی سرزا علی استر کتاب أفروش برحب اسبيم واجازه كنبوني كه فروزارت فوالد مامه و لحارت واحم يَّةُ أَكْثِورُ سَبُونَ مَسْكُونَ لَتُكْتِلُ شَدَّهُ لَتُرْدِ شوق ع بخريدالجناس وامتعه إبراني براي حمل با کور سبون مکو خواهد نمود المُرَّادِّةِ عوارض هوائي

🦈 از وزارت البه شعد البالا شيوم آینای مالنه و رؤسای دوائر نوشته شد کے جون خوارش ہوائی (حق الورود يُشَهِنَ ﴾ إذ عوايد لهالبات غبر معتقبم و مربوط بال أداره است دركلبه امورواح لمن أز اداده بالبات غير منتبه وستور قريافت دارند .. - المراد

حقوتي لفاعدي از وزارت مالبه بوزارت عدلبه نوشته

کارد شهری

عده کارد شهری که نتأ نود ضمیمه اداره امنيه پشوند و استنساياف نموړند متحددا مقرر كرديد كه هرا الحت تظارت اداره نظمیه عده کارد شهری را بما موریت های داخای از قبیل بلدیه نے و غیره فرستند ودر هن معلى كه مثنول خدمت شدند حقوق خود را از همانجادریافت

سرفت علمی آ

أرا يو دت للمكر إ في أمور لحم ٢٤ سرطان صله از کرمان حاکی است که روز گذشته حِهار نفر از اعضاء انجمن نظار كرمان رًا سرفت كرده أند ماين لر لبِّت كه شمانه آنها را با انو مبيل مطور مخفي نهه فسنجان برده إندكه باين واشطه انتخارات

أوضأع كرمان رويهم زفته معلوم ى شودخوب نبت و محتاج ببك اقدام عدى از طرف دولت است البته بديني احت که اکر این خبر موازق ختبف شه و بدختي مبثله لعنب نشود در ا بزي نقاط هم نظا أوي بيدا بخو اهيد كم هنيج قابل فعيل واغماض نبت

اعطای هما یو نی از طرف اعلىحدرت هما يوني بافاي قا مبرزا سبد مسطفی خان کاظمی که یکی از حوانهای لایتی و از اشخاس با معلومات هستند لقب دبيرا لملكي مرجمت

عدم ما معظم الدور سميدانه البريك مي

اولبای مولت برماند المين تظار

احار واحله

قبول ديانت اسلام

مَراغه ـــ ديروز ظهر دختر آوانس سبحى بخانه حاجي معين العلماء رفته ـدين اسلام آشرف شده و﴿ ثَبْنَ حِنَّابُ معزى المه لما بل دختررًا مه أوسف خان اجزاى غبر مستقبم فهميده پس از مذا كره ا طرفين عقد دختر را به يوسف خان | جَارَى تُمُودُهُ طَرَفَ ضَبِح ذُرُ الْإِنْ خَصُوصَ مجلسیٰ با خضور کشبش در حکسومت لتكبل و أملوم شه دختر به اختبارخود ین اقدام را نموده و پدر بادر دختر فاقه آقای معین العلماء رفته با دختر أداكره زياد و أهلمتهم كرده انه كداز بن صرافت بمفتد دختر كفته است بأمهل خود بدین اسلام مشرف شده آم و حرف

> های شما مدموع نبست سوخته شدن طال

الور ـــ أمنيت حاصل است دو أنه دختر شش هفت ساله نزدیك انوری م ازه نان بخته نودنید و پر از آنتر بودة الزي في ركره أند بكي إن آنهـ مبرود نزدیك انور کی خوب است نان ونزيم هر ننور افتياده كارآن يكا سر مبدهد و مبروند نمام بيجه پخته و ز لنور بحد را مبرون مباور د مارله دو شاعت بمار فوت میکند

القميم آب هاي سُرَّ حدي

در جن ہے رامنیت حاصل از طرف ادم کار، کشاری توسیله حکیران در ج مطلعین و ریش سفیدان برقراء واقع أسرحه درجز دا إحضار و مجلس منعقد لعقبقا لحا والجع يه وشعيت أوراعت مقدار و مسرف آب کردید، اطلاعات حاسله را کار گذار ثبت نمو د کایدر م

﴿ دُرِجِرُ ﴿ ﴿ أَمِرُورُ ذَرُ أَدَارُهُ حَكُومَتِي صبح مجلسي از معاريف وال لنجار منعقده

وينسن أزيمحو أثت شؤالتوك هلمش مصطور

بردائته خواند :

كنم و ادادت بشما دارم بنا بر اين مستدعي چنانم از من بیدبرید و در کاری که حضور شمها بدانبه دخال شما اسباب بسي دردسر و كرفتاري خواهد شد و شما نتبجه ای بنبر از شکت و پشهمانی نخواهبد برد ه در

درین موشوع کرده آند بجائی نرسید. است ایمدا و اهمان يات يك عده روز المامه كه الحدي

منتظر مراخم شمآ هستم خواهش مبكنم جواب را باللكواف فورى من برسانبد ﴿ الله أون ويكتوراميل وال

إ من از تجربيات و عمليات شما استمداد ممكنه شرح آن دردی و وسایل کشف آنرا محتوی هستند فرستادم اكر مايل به انجام و اهقيب اين موضوع هستبد بك حكى باسم من در حو ف أست هرقدر مخارج دارد آنرو نوشته از بانسك وسول

المراج موريو المره ١٨ الهلمس خنده ای کرده کفت به سه یک أَمُّنا فُرِتُ كُوحِكُ ديكُر أَزْ بِسَارِيسَ عَبْنِي فَـدَارُ اللُّهُ أَوْ يَعْدُ الرُّ إِنْ مُسَادِرُهُ مُعْرُونِي كَهُ بَأْ إِرْسَنَ الويان نامو دم ديگر پاريس را نه بدم آند فعه که همهٔ اش را در کبر و دار بسر می بردم و مجبور بُودُم پِنْهَانُ بَاشُمُ حَالًا بَايِنْهُ وَقَتْ رَا غَنْبَمْتُ شَمَرُ دَهُ أَرُويُم وَدُرُ صُمِنَ كُرُ دَشَيْ هُمْ أَزْبِهِتُرُ بِن بِاي الخَتْهَا عُهُ

مكر جبت و كاغد را از زوى فرش الماق

و احثاد عزیزم شما مي دانمه حقدر من شماً را لحسين مي را خواهش كرده أنه داخل نشويد زيرا قطف

و جون خالصانه و مميمانه مايلم هيجوفت نسبت لمحقبري متوجه شمأ لشود نا جارم شما را ويلمن كه حنوز دست شكسته اش درد مبكرة / بشأم دوستي كه فبمسابين أست أمم بدهم كداحت

العَلْمُسْ إِكَافَتَ ۚ إِلَّٰ شَمَا أَمْرِخُرُفَ مِنْ كُو لَهِدَا

ويلس كمنت : - بس أز كجا از كاغذي

هلمس كنت : ــــمن جه مي دانم شماسؤالات

می ارسد و می ارساند آرس أو بان همچوقت أنى أرسد بر عسكس مرا

ويَسْلَمُن كَنْفُتُ : لِنْ قُنْهُ مَنْ خَلَمْكُمْ مَهْرُومُ

نه آقای من باید فکر کرد نتیجه کرفت همچگس

و أسوده فر كشار آنس و در اطاق كرم حود بما نبد در خالمه إدعبه خالها نه لقديم شما

آرسن لو بن الجبر غريبي است ويلس بار شمایه مرا مسخوه می سند مکر من در بندست

هلمس كفت : - كه جه كه ويغبب مي دانم

﴿ وَأَيْلَسَنَّ كُمَّةً * اللَّهُ هَلَمُونَ مُثَا بِلَهُ ﴿ آوَسُنَّ ۚ لُو بِنَ

أحربك رنجنك مي نمارد

بهدمنی از من می کنبد از این این از از این از

غبب أمن داند سحر و جادو هم بلد نبست

كه بارون برای ما نوشته اطلاع دارد 🚽 🦟

آوردن الماس آبي مظفر فشدم

اطَاقُ كُودُيْدُ وَ عَرْضُ وَ عُلُولُ } نَوَا وَأَشْدُمُ عَلَى لَمُودُهُ فَمَكُمُ مَهِكُمُ وَيُقَدُ ازْ كُمَى أَنُو كُورُوافَ فَازْ وَمُ كَمَانُتُ

أين مرد شروع كرده اسباب زخمت مرا و فراهم

لهنت بياريس مي نمود و أبدا مايك بسفر نيود درین ضمن شر اوك هلمس كاعد دیكری را از با ك ببرون آوردم نگاهی بروی آن نینداخته بود که او تسبو ویلدن مبنمایم ، وياسن ديد رنك از روي هلمس پريد و جين اس

وَبُشَا تِي أَوْ ظَمَاهُ رَسُدُو مُنُورٌ ، إَ نَرَا لَمَامُ لَيْخُوا اللَّهِ ، يُؤْدُ كه كاغذ را كلوله كرده با خشم بهكامرف انداخت غده كفت عطور شد ١

هالم بشما ئيم 🖫 🏅 💮 💮 🔻 🔻 🔻 🔻 🔻 🔻 🔻

المضاي قراد داد لحارلي از طرف وزارت خارجه المكراف از قرار زايورتواصله أداره كموك

رای ژاپون و حین است که اطهارات جامع و کاملی راجع بمقدار محصول و جنس ابریشمی که بنوا نشد مسوره انوجه مراكز سنمتي أمريكا واقع شود و ا اندازه رفع احتباج كار خانجات آنجا وَا بِنَمَا يُسْدِ : أَيْنَ هَبِئُتُ أَعْرَاهِي لَجَارُ وَ كارخا نجات أمريها در أحت وياست مسر

قدرار نمودن او لياط خيلي الله ديك ليجار الي و افتتاح باب معاملات لمجاد لي بين (رايون) و (خبن) (وامریکا) تمپیاشد

(ژاپون) و شهرهای (شاندگهای)

كوحيه ناريك آسمان كرفته و منه دارد الران دیزی هم بشدت می بازید یك درشکه روشد وبقد از آن بلافاصله یکی دیکر ویلس هوس کرد أنبره های آنهارا تبت کرد درین اثنیا یکشفر ببداشد ويلسن فرياد زد : فراش بست فراش بست بانوكرا حآنه بالا آمدة دراطاني كرده داخل شه ندهلمس از خاى خو دخر ك

كرد فراش پنت كفت دوكاغد سفارشي استابراي مبهو و دفتر خودرا نشان داد که امضا کندهلمس دفتر را أمضا كرده همراه فراش نادم در آمده بعد در را بست و سریکی از پاکت هارا کشود ويلسن كفت : ﴿ هَا هَلْمُسَ حَجِبَتُ كُواذِ إِ

هُلُمُسُ وَرَجُوابُ كَمَاتُ أَيْنَ كَاغَدُ شَامَلُ بِكَ بْبِشْنْهَا دُ بْسَبَّارُ مُهْمَى آسَتْ شَمَّاكُهُ كَارَ مِّي خُواسَّتْهِهُ بها أبد أبن كاركاغذ را يخوان معلوم مبدود ويلسن كاغذ را كونت خواند :

شده و الحقبقات و الفتېشات و عملها لي كه اما كنون

المجاراتي را أمضاء الماليد مراجعت آشوريها ووزي كذشته حب الامر هبئت زراء تمسيوني اراي مطالعه مراجعت

نظلمين محلى در وزارت خارجه نشكبل كمسمون براى لقديم بهمأت وزراءنوشته شدكه نسميم قطعي در آنخصوص اليخاذ شود ، المقريب ألظر اعضاى كمشهون ا

بهبئت وزراء رسيده منيو (ما ليشف) **ئ**ېس بازار مماره نبژنی نو کو رود در وقع حركت خود از طهران ازموافقت المكرات خود را كتبا المديم مبلت دولت

كه ونيا بسود از بين آفيايان علماء وتها ب شورا تها في المدة أستى لهذا [قا يا ل علماء مانع حرك آفاى آفا ميرزا

ا نمایند کارخانجات نساشی استاقایان.

زارت خارجه رسبده حمل و پنج نفر ظامبان محصل أيراني وارد باريس شده از آنجا برای اشتغال بتحصیل بشهر

روی پایش رد شده بود دوباره بروی پای خود

، شرح عملبات و أفكار قها في خود راكه بأينقسم در آنها غوطه ور شده می دهد ایا هلمس ساکت بُود و ابدا حرف نمبزد 🐩 🏂 👵 شمارا خوشحال می بېنم .

اينكم اغلب برآى مردم الفاقي مي افتد مشار المه جون یکدودی بسیسار مهمی در اموال من

آورده حلقه های کوچك و بزدك از دود حیق خود در ﴿ هو درست مبكره و وبلدن همساكت ور منا بل او روی صندلی که نشته شود با دفت هُرجه المأمتر أو أنام في كرد و مثل ابن بود که پیش خود خنین فکنو می کند شراوك هلمس لی باین سکوت خا مه خواهد داد چه وقت برای

ويلسن تبشتر ازين سكوت را جايز ندانسه كنفت : اوقات مابه بطألت مبكفرد هبيج كادى نداريم كه بهما ثبم. باز هلمس ساك بود و لى حلقه های دود حینی او بېشتو از بېشتر بزرك شده و بهخو بی هلمس نا لل به درست کردن آنها مبشد ويلسن ازين سكوت بهمعني و از اسواري كاهلمس به کار بجانه خود داشت کمان کرد که مثمل

با هارا واز کرده روی صندلی تشته بودند

روز نامه عصر خطور در انجا لابه شرحي راجم جِلِ مَن بَتُوسِط كاني مار خُواهبد خواند ... حالا

الرن دراه افتاده سود که باز آرسن لوین لَمَا وَأَ فِرَامُوشُ نَكُنَى هُمْمِتُهُ كَاغَدُ بِنُويْسُ الْمِيدُوارَمُ هُسَتَ مُمْمُو وَيَلَّمَن هُمْ بُرُودَى خُوب بِشُودَ كَامِي يك لأرت يَسْتَسَالُ بُرَّايُ مِنْ بِقُولِيسَمِّيْدِ بَيْنِ. [[دَوْس مَنْ الله لمبتقور باديس من لو بن كافي است ديكر لاذم

فاستان دوم - جراغ يهودي

شراولة هلمس و ويلسن دردوطرف بخارى شراولهٔ هلمس جیق خود را پر کرده آلش

نصل اول بَرَر تَى كَهُ دُرْ آنَ إِلَّ إِلَّ اللَّهِ دُغَالَ سَنَكَ أَبِّمُوهُ

ابدا خبالی درسر ندارد پس ویلمن ازجا برخواسته

وسنما ل مُحَوِّدُ رَا مُحْرِكُ دَادِهُ مِسْلًا هَلْمُسَ كُنْتُ

﴿ آرَسَنَ ۚ اوَّيْنَ كَعْتُ اللَّهِ الْمُوخِمَّتُ غُمَا ۚ زَيادَ ۗ بعنوان دیکری نہمت خداحا فط مہ

> كرده بهو د ١٠٠٠ سي نفر آثان دور الدور إلو دا کر فته پودند ﴿ أَرْسَنُ ۚ لَوَ بِنَ كَافَتَ ؛ ــ شِمَا النَّطُورُ أَمُورُ ۗ ﴿ كرديد عن عي كذارم شما برويد بدون آنك ماآن سوایق دوستی که بایکدیگر ببدا کرده نودیم

الله الماشين سؤت كتبد و براء افتاد آرسن لوين كفت بالاخرء هلمس من شمارا عفو مي كنم اما وكبويت حيمار همه چيز برداشته ايد بله ازدو متنول كتهدن شد و دامن بالتوش راكه از ا بدمت پنجره اطاق وقت

متوسطه ــ که نمام روز کار کند ــ ماهن دويست او مان حقوق بكبرد ا ا این ها همه مقدمه بود . برویم

ين سن مطلب ، المام من البي كه الذكر

ید در مقالات مسلسلی که برای شما داديم يعني فقدان معلم ــ فقر مملكت .. عدم الوجه بمعارف بنا صرافه حوالي هار

> نو دخه کل ایران قریب سیو نه مما لك كوحك أرويا _ مما لكي

از این سی و نه کرور هشاسه

و بزعيم الثلاث به صارف احث والله نسيت به اين قبيسل خادمين الراز داشته اند . هرقدر در حبز امان بوده

ارسن لوپن

(تاليف موربس للان) ر بر فرجمه:محمدعلی_کاشا ثبان

مجادله با (شرلوك هلس)

ا هلمس با العجب زياد كانت : ـــ أنو "، أ او آوسن آلویان پس کانی ماد که او دا او قبات

خدا حافظی از شما بنمایم برای

زمانهک راه خلی برای مسلّه غرامات و قروش بن المتنقین بهدا نشد، و و تبقه ای برای اسکین ارامش اروپا بدست نها مده است شاخ قطمی نامین نخواهد شد .

راجع بنرامات جنین اظهار داشت که مایش از هر دولتی متوجه این ممثله هستیم که آلممان بنایسد مطابق استعدا د و قدرت خود غرامات را بپردازد و هر مطربقی که منجر بورشکستی آلمان نمی شود برای ما و متفقین ما و کلیه مال جهان منهای کران نمام خواهد شد

در خصوص روهر مجنبن کفت که الميه متنفين أستر أز سابق بعني قبلاز أشفال ووهر مبئوانند غوامات درباف كند (فرياد مسرت از طرف مخالفين دو ات ﴿ وَارَا لَهُ ابْنُ لُرُ لَهُ إِنْ مُوجِبُ مِخَاطَرُهُ عظممي خواهسد بود زيرا اهالي نقاط مُدَ كُورُهُ خَيِلَى دُرُ لُحَتَ فَشَارُ وَاقْعَ شَدَهُ و بیم قلت و کمیا بی ارزانی می رود و هر یك از منا لك اروپا قبر سهمی از این بخدارات متوجه آنها مبشود و این پیش آمد ناتبوات سوئی در اجارت انکاستان و لدامة سكاري مردم ، داشته است دريسه ملودي كم انكلمتان مجنود شده است از/ منعد از مناری مینك مرای این قدیا منائل خرج كندونا سمال مداكرات الدويتاله فتبعه قطمي البابتي نداده است والما يستى مواقعيت دول دى الم مشخص لو و معلوم في كرده و خالمه بسه دوره حَيَّا فَيْهَاتِ مِنْ اخْتَلافات داده شود ، نه فقط بايستى أز مديون قاماى برداخت دين فل ننسو به بلکه باید ملودی کرد. که دو لت مديون يتواند دبن خود داراها نمايد و النظيتان نه فقط مي خواهسد فرانمه و يهائريك را از حقوق خوة محروم نمايد والمكا بوعكس ما إلى است كم منطورات دول فوقئ انهجام شود بعلاوه اختلافسات فظر عد طريق حدل قضبه نيايدتي مانع از مجامس ده حل اختلاف ورددورخا لمه إظهار دائت كي جواب انكامتان بدرات اً فازوني لبز ابلاغ عنوامد شد

ایدن به امروز در مجلس میعوثمان بالدوین چنین اظهار داشت که دولت به متفقین خاطر نشان نموده است که مایل است برآی آلمان راجع بهغرامات جوابی همیه نماید

1. 数型与

متفرقه

اندن _ نصعبم کمبته اعتصاب از طرق عده کنبری از اعتصاب کنندکان مورد نقیبحواقع کسته و اغلبجلسالی منعقد کرده و نصعبم الحاد نهـو دند که مایل باشند اعتصاب را ادامه بدهند کران هنوز شروع بخار نکررد اند عبارت است از بریدتول و مانچـتر و متوقف مانده است محمدولات بایان که متوقف مانده است محمدولات بایان که بیست هزار لبره قیمت آن است چیزی قدانده است که بایستی حیرا بدریا در بخته شود :

لمهدران سـ شومها نسكي بسمية

نماینده مختار دولت ساوت در طهران مفن کشته آست آمروز با حفور رئیس اوزرا خدمت اعلیمحضرت یادشاه ایران رفنه و اعتبار قامه خود را نقدیم نمود (ر)

شاهزاده عضد السلطان حاكم سابق كرمان و حكم الدوله وزير معارف, از طرف اعلم حضرت مامور شده اند كه به كرمانشاه رفته و در مدت اقامت علما در آن نقطه كه بواسطه لمعمد آقای خالصی از عراق خارج شدهاند از ایشان مهما نداری نمایند چندین للكواف لمبریك بین شاه و علما وریاست دولت مخابره شده است

مطبوعات حارجه

خطوط آهن عثمانی 🥼

حدری که آزانس دو او در باب عقد موافق فهماین انتخان و آلمان دا او نخط آهن بنداد منتشر کرده بود نکذیب مبدود المجند دوزی است که فهماین بکندسه از شرهایه دادان دام آهن اناطولی و شعبات منضه به این خط از قبیل خط قو نبه به سیماد باشره مبرود موافقت حاصل شده است با نقره مبرود موافقت حاصل شده است و ایمالی واحم دعوت سرده که این ایمالی واحم دعوت سرده که این امروا

دسته سریایه داران ایطالبائی وعده داده اند که نا دو حفته دیکر در اندن حامل خواهند شد و لی نا کنون خوابی از طرف فراندوی ها نرشیده الحت اید در نوول ی

ر استقراض جدید، دو انترومانی فر یا از ۳۵ ملهسون لبره انکلبس که

بمدوجب قانون مصوده ۲۶ ژون ۱۹۲۲ (سرطان سال کذشته) دو ات رومانی اجازه استقراض دارد اخبرا بجهت نادیه قروض متفرقه خود به صنعتکران و نجار قرانشوی مبلخ هفت ملبون و نبستم ابره انکلبس سهام استقراضی در بورس پاریش بمعرض فروش کذاشته

سهام مربور عبارت است از اوداق ۱۰ ابدره (یا ۴۰۰ فرانکی) و ۱۰۰ ابرد (یا ۴۰۰ فرانکی) فرغ سهام مذکور از قرار شدی چهار (۲۰۰۶) است و در اول اکتبر و اول آودیل هر سال مبلادی بپول طلا در مراکز عمده دنیا ورداخته مبشود.

مدت این استقراض ۱۰ سال شفسی است و آبندای این ناریسنخ از اول آوریل ۱۹۷۸ شروع خواهید شد بدین ار به سال مقداری از وجه سهام مزبور بطرز قرعه و یا هوسهاله خرید در بورس نادیه می شود در

بعلاوه دولت رومانی از سال ۱۹۳۳ نبعد حق دارد که عبن قبمت اصلی امام و یا قدیمی از سهام را پرداخه و خود را گری الذمه نسساید _ فقط بشوط اطلاع سه ماه قبل «

شامن قادیه قرض مزبود که جیلی قروش خارجه معموب می شود خزافه رومانی است ت

مدلغ استهالاك و فرع این قرش کهمه ساله در بك ماده مخصوص بودیمه مینارج دولت قهد خواهد شد و دارای حاب مخصوصی در وزارت ما لبدرو ما نی خواهد بود که نا المام کمل تقریض مبلغ مدین راجع بان حاب در نیا نادیه می شود از دومیل دیل :

۱) هابدات (حَمُو قُلَ سَمَرَكُی سادرات که فاخالمه قرض برقراز بوده و بیول طبلا، و یا پول خارجه اخسه خواهد شد ه

γ) غوايد ديكر دوات ه

IODOPHOSPHORINE

يدفسفرين كرانوله

مبكند كه اغذيه مختلفه را هضم فموده عمل الفذيه كه مختل شده بود

والبلدن بتدريج افزوهم شده واثرنك رخاسار كه يتريك م يود رفته رفته

کا کمون و طبههی شی کرده بعد بعد بعد آثار حقبقی و نهدگری

يد فسفرين در انظـــم، و لصفهه دوران خون ظاهر مي كردد أوجاع

عسبانی و اس درد بن طرف شده غسددی که متورم بودند الحلبل

مبروته بالأخرة بهبودي كامل حادل شده سلامتي بعمالت اول رجعت

ورا خانه ممبو کارنبك خان و سائر دواخانه های معتبر

مُمِيلٌ فَرُوشٌ عَمَدُهُ دَرُ بَارِيسٌ مَشْلًا سُو ثَبَارٍ وَ شَرِكًاءً وَ هَرَّ طَهِرَانَ إِ

نمره أعلان ١٥٨

أعمال هاشمه زا لحريك كرده اشتهارا زياد و شخص را مستعلا

از آبسدای شروع باین دوا آثار بهبودی مشاهده کشته وزن

يَسَلَّدُ فَسَفَرُ بِنَ هُم مُصَلَّحَ الْحُونَ وَ هُم مُقُوى

بند هنای زنبانه و مردانه از آلمنان وارد شده است برای

الرويها خبلي سأده قرأنا فع الهبه شده إست.

﴿ وَاللَّهُ خَمِلْيَ خُو شَتَانَ مَمَا يَدُ ١٤ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ا

﴿ اعلانارزان نشده بودُ شُمَّا هُنَّ حَنْ نَمَيْدَانَسَتِهِ كُوبِتَازَكُي شُكُم

ابن شكم بندها (كرست) مطابق دستور مخصوص اطباي متخصص

برای جلو کمری از حوروك خوردن و نا شدن محنای فتر

حَالًا أَكِرَ شَمَا هُمْ أَشَادُتُ وَأَرْبُدُ إِلَّا أَرْ يُؤْلُ خَرْجَ كُودُنَّ

محمور شده اند در درباهسای عمیق و خطر ناك بحنك نهنك برونسد

و بعد از زحمت زباد آن حبوان را بكشد لا دندان همای او را در

نَمْبَرُ سَبَدَ. ﴿ وَ اكْرُ إِزْ حَلُمُ ٢ مَدَنَ شَكَّمَ عَاجِزَ هَمَّتُمِهُ ﴿ وَ اكْنَ الْرَبَهُرَ

أَنَّ بَمْمَازُهُ بِنْ مَارِشُهُ وَ رَضُوانَ دَرَّ مُاصِرُ بِالرَّجُوعُ فَرَمَا أَبِّهُ

شكم أنند هناي شمنا استعمال نمنايند أأ جه فكر أو رشادلي!!!

్రాష్ట్రం

د کتر امر بافر خراخ و طبه عالمقدر چندین سال معاون یکی او مفرو فترین حراح های اروپال دکتر د لارو ، یوده آند سبح ها از ۱۵ تا ۳ یظهر و عصر ها از سه نا ۱۵ یفد ازطهراز هرخی بذیر رائی میکنند

آدرس: خمایان قوام العلطنه به رو بروی مدرسه امزیکالی

ৣ৾৾৺৾৾৽৻৽ ৽৸৻৾ ৸ ড়৾৽ড়<mark>ড়ড়</mark>ড়

፞ቔጜቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔቔ

المالكى م

یا اظهیار ناسف از این که پوراسطه قبول مختصر خدمت شده از این که پوراسطه قبول مختصر خدمت شده از این کامل از مرسی مجتوم خود المخطع المخطط الله فسلا که و ضعبت اشتصال این حیات تا درجه در ایمت التقام آهمه مختصرات است او قیات یدرا آئی از خراجعه کند کان را دیلا باط آلاع عبد وام ا

صبح حا از اول آفتاب الى به ساعت قبل او ظهو بعض از دو ساعت قبل از غروب الى معزب عقق الأمكان مبتلایان به أمراض ما زدو ساعت قبل دوزاك و شفایس عصر ها رجوع قدایند در گذر علیمالدوله تقفی

نمره اعلان ٨٦

	1 1 2 7		A	19 19 19		C. Public 2	A 95			PARTY PAR	31	18 04	D500
400			1 9 3	Fig. 4 House	1 1 1 1 1 1			d de		The state of the s	S 394 A	ni i	M. Or
High,		1.30			1.0 3		31 50				1 m	A. A.	The Sold
Sec. 16 2	1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	. 18	/ D	had det		- \$1 - 19. s	3,5%	100	1123		v.	M 7 18	4.9.39
100	177	VIII 1	Marine I	A SEPTIMENT OF	F 10 10 1		1 / 12		100	0.			
11. 3 4	14		ريس	ti 🛶 🚉	1			از و				11 1	191
	100	Land Day	0 -	· 10.00		4.1	س	9.0		ير يد .		طمير ال	1.1
. W.	£	9 35	50 h 2. 19 1	grade Mr. A	1. 1. 1.	1,000			1. 15 9 4		"		
ك ا	فران	2 45	100	ngan (1984) ay		3.			1		· · · ·	135	1.01
		Sec. Sec.		1. 1 1 1	32		1 ***	•			1		1.
_	_				grand So		- 31	فر	S. 1 . 1. 18	قران			
17			100				U.,	1	Contract to	0 5	\$ 100.0	1. J	
V	1-Y	70				الندن		1 6		- ' -	2	_	
40		1.7		h			21	1-2.	19 Z	7-7	نی ۵	م.د.و	الندن
	1	· 🛏 🌣		0.7 7.5		et.				20			
2) '	V-1	• 7		A. 1. 15 .	, 2)	نبويو					نی ۵۷	ور مساور	1 1
, s	. 12 .	1.		· 人名英格兰			2.1	/·	- 4	·	د. ۵۷	نندكرا	
1.3		1		10 mg 1		1 1~		1		• •			4
		Λ	1 1	3.75 E	U	WT.	4	1.174		1 1 11			1.
in h	· · · · ·			微点 选择	# 11 T	industrial Control	3. 1	1 2 /		*	1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1		
A			A	0 1	3.79	1 41	16	60 A B	1	61 -1	50 . 14 %	4 1 1 1 1	
1	1- \	•	Marie S.			بلزيلًا	11.	14.			1.0	3. A	
Sec.	******		1.4	2 1 X 1			9. /	1.		377 13	S - 1 - 4	en la company	
7	\ <u>\</u>	10-12/	Sala A.	11. 2. 2.		سوي	10	6	S 100 1	A 1.2	- S 15 T	13-	7
	:/ 1		13.84		ت الما		•	, ;		Same Land	Par Barre		ا سو د-
2.6			De la company										
M	المالية (المالية) المالية (المالية)		100			ايطا	11.	5 0	1	• 1	a	رك	
. 1		40 3325	Same	a sale	ی ن		4		1.1	and in	1		7. 5.
1 1	: 2		3011		6.4%				· N	1 1 13 14			
	1	₽. •		7. 8	14	اسيا	1,1	Λ	K .	Section 1	100	المجأى	(
int.	2755		4-1	1 19 4 18 188	ertan y				permit 1	1	data tro	G	1477
V		2 - 0 7	4 14		2. 2. 2			i. No.	1 5.				1 1

مطبعة بوسفور سه (۲)